

منبع الأنوار

در مقامات و احوال

حضرت سید شیخ حسن قازانقایی برزنجی

مشهور به پیر قره چی وار - قدس الله تعالی سزه العزیز -

تألیف

سید محمد طاهر سیدزاده هاشمی

به کوشش

سید منصور حسینی (سوله‌ای)

هو

سرشناسه	: سیدزاده هاشمی، سیدمحمدطاهر، ۱۳۹۲-۱۳۷۰.
عنوان و نام پدیدآور	: منبع الانوار: : در مقامات و احوال حضرت سیدشیخ حسن قازانقایی برزنجی مشهور به پیر قرمچی وار .../تالیف سیدمحمدطاهر سیدزاده هاشمی؛ به کوشش سیدشیخ منصور حسینی سوله‌ای؛ [برای] بنیاد متن پژوهی پاریسیان.
مشخصات نشر	: تهران: ارمغان تاریخ، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۳۱۴ ص.: مصور (رنگی).
شابک	: 978-600-8079-25-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: واژه‌نامه.
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: قازانقایی برزنجی، سیدحسن، ۱۸۴۸-۱۹۰۶م.
موضوع	: عبدالقادر جیلانی، عبدالقادر بن ابی صالح، ۴۷۱-۵۶۱ق.
موضوع	: Abd al-Qadir al-Jilani, Abd al-Qadir Ibn Abi Saleh
موضوع	: عارفان -- عراق -- کردستان -- سرگذشتنامه
موضوع	: Mystics -- Iraq -- Kurdistan -- Biography
شناسه افزوده	: حسینی سوله‌ای، سیدمنصور، ۱۹۸۳-م.
شناسه افزوده	: بنیاد متن پژوهی پاریسیان
رده بندی کنگره	: BP۲۷۸
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۸۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۳۳۳۴۱

منبع الأنوار

در مقامات و احوال
حضرت سید شیخ حسن قازانقایی برزنجی
مشهور به پیر قره چی وار - قدس الله تعالی سرّه العزیز -

تألیف

سید محمد طاهر سید زاده هاشمی - قدس سرّه -

به کوشش

سید شیخ منصور حسینی سوله‌ای



منبع الأنوار

سید محمد طاهر سید زاده هاشمی

به کوشش: سید منصور حسینی سوله ای

ناشر	ارمغان تاریخ
چاپ اول	تهران، ۱۳۹۸
شمارگان	۱۰۰۰
قیمت	۹۵۰۰۰ تومان
طرح جلد	محمود خانی
صحافی	برادران خانی
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۹-۲۵-۵
چاپخانه	ارمغان

تمامی حقوق برای بنیاد متن پژوهی پارسیان محفوظ است

انتشارات و توزیع:

آدرس: میدان انقلاب، ابتدای خ کارگر جنوبی، کوچه رشتچی، پلاک ۱۳، واحد ۴، تلفن:

۰۹۳۶۶۰۶۹۱۲۳-۶۶۹۴۶۶۵۶

پست الکترونیک:

armaghan.tarikh@gmail.com

هو

مقدمه در احوال شیخ عبدالقادر گیلانی رحمه الله علیه
و مشایخ قادریه کردستان

غوث زمان سید شیخ عبدالقادر گیلانی (۵۶۱-۴۷۱ق)

ابومحمد عبدالقادر بن ابی صالح بن عبدالله الجیلی. کنیه اش ابومحمد و لقبش محی الدین و مولدش گیلان و از سادات رفیع الدرجات حسنی است. مادر وی ام الخیر امة الجبار فاطمه بنت ابوعبدالله صومعی بوده که از بزرگان مشایخ گیلان به شمار می‌رفت. (طرائق الحقایق، ج ۲، ص ۳۶۲؛ نفحات الانس، ص ۵۰۹)

ولادت او در سنه چهارصد و هفتاد و یک بعد از هجرت نبوی (=۴۷۱ق) و وفات وی در سال پانصد و شصت و یک هجری قمری (=۵۶۱ق) و عمر شریفش قریب به نود سال واقع شد.

به سبب الهامات وارده به سید عبدالقادر در سال ۴۸۸ هـ. ق در سن هجده سالگی به عزم ورود به نظامیه بغداد - که توسط خواجه نظام الملک تاسیس شده بود - شهر و دیار خود را ترک گفت. بنا به روایاتی، خضر را بر دروازه شهر دید و او مانع ورود عبدالقادر به بغداد شد. شیخ پس از هفت سال ریاضات طولانی به دستور خضر به بغداد رفت. او به مجلس علما رفت و آمد می‌کرد اما به نظامیه نمی‌رفت. فقه حنبلی و شافعی را با ادب عربی نزد استادان عصر بیاموخت. در بغداد نزد ابوزکریای تبریزی به آموختن ادب پرداخت و فقه حنبلی را نزد ابوالوفاء ابن عقیل و قاضی ابوسعید المبارک المخرمی (یا المخزومی) فراگرفت.

در تصوف شیخ و مربی او ظاهراً حماد بن مسلم الدبّاس بود لیکن خرقه خویش را از قاضی ابوسعید المخرمی که استاد او در فقه بود دریافت کرد و گفته اند که ابوسعید به اشارت خضر آن خرقه را به وی داد. در آن زمان شهرت ابوسعید مخرمی بیشتر در حدیث و فقه بود و در تصوف شهرتی نداشت. (جستجو در تصوف ایران، ص ۱۶۵ و ۱۶۶)

عبدالقادر الجیلی بالاخره در سنه پانصد و بیست و یک (= ۵۲۱ق) شروع به مجلس وعظ نمود. مجالس وی به جهت اهل عراق و بغداد حایز اهمیت بود. این مجالس وعظ در صبح های جمعه و شب های دوشنبه در مدرسه وی و صبح های یکشنبه در خانقاه دایر می شد. ازدحام و علاقه مردم در این مجالس به حدی بود که گفته اند المستنجد خلیفه هم گاه گاه در این مجلس حاضر می شد. تاثیر مجالس وعظ امام عبدالقادر گیلانی باعث شد که بسیاری از یهودیان و مسیحیان بغداد به اسلام روی بیاورند. (شیخ عبدالقادر گیلانی و سلسله قادری، ص ۳۳)^۱

وی را کرامات ظاهر و احوال و مقامات بسیاری بوده که در تاریخ امام یافعی - رحمه الله - و دیگر کتب مناقب بدان اشارت رفته.

سلسله طریقتی

سلسله طریقت امام عبدالقادر گیلانی چنین است:

الشیخ ابو محمد عبدالقادر بن ابی صالح بن عبدالله الجیلی لبس الخرقه من ید الشیخ أبی سعید المبارک بن علی المخزومی، و هو لبسها من ید الشیخ أبی الحسن علی بن محمد بن یوسف القرشی الهکاری، و هو لبسها من ید الشیخ أبی الفرج الطرسوسی، و هو من ید الشیخ أبی الفضل عبدالواحد بن عبدالعزیز التمیمی و هو من ید الشیخ أبی بکر الشبلی و هو من ید سید الطائفة الجنید البغدادی و هو من ید السری السقطی و هو من ید معروف الکرخی - قدس الله تعالی ارواحهم. (طرائق الحقایق، ج ۲، ص ۳۶۲؛ نفحات الانس، ص ۵۰۹)

۱. مواظ و پندهای امام عبدالقادر گیلانی بصورت کتاب موجود است.

خلفاء و ارادتمندان

و شیخ را خلفاء بسیار و تربیت یافتگان بی شمار است و او را شیخ مشرق می گفته اند و ابومدین را شیخ مغرب.

<۱> و از اصحاب او یکی محمد الأوانی است که به ابن قاید معروف است. صاحب فتوحات می فرماید عبدالقادر وی را معرب الحضرة می گفت که محمد بن القاید من المفردین. و صاحب فتوحات می فرماید مفردون جماعتی اند که از دایرة قطب خارجند یعنی فیض از حق می گیرند بی واسطه قطب، و خضر(ع) از ایشانست. از سخنان ابن قاید است که گفت: همه چیز را باز پس گذاشتم و روی به حضرت آوردم. ناگاه پیش روی خود نشان پایی دیدم مرا غیرت کرد، گفتم: این نشان قدم کیست؟ زیرا که اعتقاد داشتم که هیچ کس بر من سابق نیست. گفتند: این نشان قدم نبی توست - صلی الله علیه و سلم. خاطر من تسکین یافت. (نفحات الانس، ص ۵۲۶)

<۲> و یکی دیگر از اصحاب شیخ عبدالقادر ابو السعود بن الشبل که در فصوص از وی حکایت نموده. (طرائق الحقایق، ج ۲، ص ۳۶۲) در فصوص مذکور است که: شیخ ابوالسعود با مریدان خود گفت که: پانزده سال است که خدای تعالی مرا در مملکت تصرف داده است اما من تصرف نکرده ام. ابن قاید روزی از وی پرسید که: چرا تصرف نمی کنی؟ گفت: من تصرف را به حضرت حق سبحانه گذاشته ام که چنانچه خواهد تصرف کند. (نفحات الانس، ص ۵۲۷)

<۳> شیخ عبدالرزاق بن سید محی الدین عبدالقادر گیلانی. فرزند سید عبدالقادر گیلانی است و سلسله جلیله قادریه به واسطه جنابش ادامه یافته. (تحفة القادریه، گ ۴۰) شیخ مشرف الدین سعدی (۶۹۰-۶۰۶ ق) پس از شیخ عبدالقادر - رحمه الله - می زیست لیکن از ارادتمندان او محسوب می شد. وی در باب دوم از گلستان می فرماید: عبدالقادر گیلانی را دیدند در حرم کعبه که روی بر حصار نهاده می گفت: ای خداوند بر من بیخشای و اگر هر آینه مستوجب عقوبتم به قیامت نابینا برانگیز تا بر روی نیکان شرمسار نشوم. (شرح گلستان، ص ۳۱۴)

مقبره و مدرسه

مقبره و مدرسه امام عبدالقادر گیلانی هم اکنون در بغداد واقع است و همواره در موسم حج، حجاج بیت الله الحرام از کشورهای مختلف بدان سوی رفته و در یازده ربیع الثانی روز عرس ایشان به زیارت آن مکان شرفیاب می گردند. پیروانش او را "باز الله الأشهب" و "تاج العارفین" و "محيي الدين" و "قطب بغداد" و "غوث أعظم" خطاب می کنند.

تالیفات

از شیخ عبدالقادر گیلانی - رحمه الله - آثار و تالیفاتی بر جای مانده که می توان به الغنیة لطالبی طریق الحق، فتوح الغیب، تحفة المتّقین و سبیل العارفین، رسالة الغوثیة، الفیوضات الرّبابیة فی الاوراد القادریة، الکبریت الاحمر، مراتب الوجود، معراج لطیف المعانی، یواقیت الحکم و غیره اشاره نمود. (هدیة العارفین، ج ۱، ص ۵۹۶)

مشایخ قادریه کردستان

سلسله جلیله علویه معروفیه قادریه از سلاسل طریقت اسلامی است که در قرن یازدهم هجری با پیوستن شیخ اسماعیل ولیانی به شیخ احمد احسائی از مشایخ قادریه در بغداد، در کردستان نشو و نما یافت. جناب سید اسماعیل ولیانی که نزد سید احمد احسائی بغدادی (زنده در قرن یازدهم هجری) مدارج طریقت را طی نموده بود در قازانقایه سکنی گزید و در آنجا شاگردانی را تربیت نمود که سلسله آنان تاکنون در کردستان عراق و ایران در فعالیت های علمی و تصوفی منشا آثار معنوی فراوانی هستند. متابعت از شریعت محمدی (ص) و پیروی از طریقت علوی (ع) از ویژگی ها و روش سلوکی مشایخ این سلسله مبارکه می باشد.

سلسله طریقت این مشایخ - قدس الله سرهم أجمعین - عبارتند از:

السید الشیخ عبدالقادر قمچی ره ش لبس الخرقه من ید السّید الشیخ حسین السّولی
البرزنجی الشّهر بشیخ چرچه قلا اخذ الطریقه و لبس الخرقه من ید السّید الشّیخ حسن
القازانقایى البرزنجی المشهور بپیر قرّه چیوار و هو من ید الحاج السّید کاک احمد التّودهی

البرزنجی و هو من يد ابيه السيد الشيخ محمد معروف النودهي البرزنجی و هو من يد جدّه الامی وعم والده السيد الشيخ علی کوسه الدول پنبی البرزنجی و هو من يد اخيه السيد شيخ اسمعيل وليانی و هو من يد الشيخ أحمد الأحسانی. (ر.ک: قرة العين، ص ۹۳)

سيد اسماعيل البرزنجی القازانقایى الولیانی

طریقت نوربخشی تا زمان بابا رسول (متوفی ۱۰۵۶ ق) در کردستان رایج بود و اکثر سادات برزنجه و علمای کردستان متمایل به آن طریقت بودند. بابا رسول طریقت علویه که شاخه ای از طریقت خلوتیه بود را رواج داد. این اوضاع تا زمان سید محمد فرزند بابا رسول ادامه داشت.

سید اسماعیل بن محمد النودهی بن الشیخ علی بن بابا رسول البرزنجی در اواخر قرن یازدهم هجری (۱۰۸۱ ق) در نوده از توابع سلیمانیه کنونی متولد شد. وی پس از کسب علوم اعتقادی و ادبی از صرف و نحو و غیرهم نزد پدرش سید محمد نودهی به سیر و سلوک پرداخته و به اخذ اجازه ارشاد نائل گشت. پس از مدتی به بغداد مهاجرت و با شیخ احمد احسائی که در آن زمان در محله رأس القرية بر رودخانه دجله تکیه ای موسوم به تکیه الإحسانیه داشت آشنا شده و مدارج عالیه طریقت و سلوک را طی نمود و آثار و انوار باهره از باطنش متجلی و نهایتاً خلیفه شیخ احسائی شده و به قازانقایه از قرای سلیمانیه کنونی بازگشت. (علماؤنا فی خدمة العلم و الدین، ص ۹۵)

پس از انتشار آوازه سید اسماعیل در منطقه کردستان امرا و حکام و بزرگان به دیدار وی می‌شتافتند و سعی در جلب رضایت او داشتند. امیر احمد بیگ زنگنه ای که مورد تایید سلطان عثمانی بود از ارادتمندان سید اسماعیل ولیانی بود و جهت اطعام سالکین و فقراء "قریه ولیان" را به او و "قریه گله زرده" را به برادرش شیخ حسن گله زرده عطا نمود. (علماؤنا فی خدمة العلم و الدین، ص ۹۶)

طریقه علیّه قادریّه به دست سید اسماعیل ولیانی احیاء و در بلاد و مناطق و مخصوصاً در هرسه کردستان منتشر شد و بدین مناسبت او را "مجدّد طریقه قادریه" و "غوث ثانی" لقب داده اند. (منبع الانوار، ص ۶۰)

سید اسماعیل ولیانی از کبار مشایخ طریقت و اولیاء بود و شاگردان بسیاری را تربیت نموده، نهایتاً از جانب خود چهار خلیفه مشخص نمود که عبارتند از: فرزندش سید رضا دلیژی، برادرش سید علی دول په مو، برادرزاده اش شیخ محمد قوله ای و ملا علی سوسی. (تاریخ تصوف در کردستان، محمدرنوف توکلی، ص ۱۶۲)

ولادت سید اسماعیل ولیانی به نوشته جناب ملا عبدالکریم مدرس در قریه نودی در سنه ۱۰۸۱ ق و رحلتشان در موصل به سال ۱۱۵۸ ق بوده و مدفن ایشان قریه گردریوی است. (منبع الانوار، ص ۲۱۱)

شیخ علی مشهور به شیخ کوسه دول پمو

ولادت وی در قریه نودی در حدود سنه ۱۰۹۰ ق در دودمان طاعت و تقوا و علم و شرف و سیادت و زهد پرورش یافت. چون به حد تمیز رسید قرآن کریم را ختم و درس علوم دینی را شروع کرد و در آن به حد براعت رسید. ذوق تصوف سید علی نوده‌ی بر وی غلبه داشت بدین دلیل نزد برادرش شیخ حسن گله زرده وارد به طریقت علیه قادریه گشت. شیخ علی و شیخ حسن هر دو نزد برادر بزرگوارشان حضرت شیخ اسماعیل ولیانی - رضی الله تعالی عنهم اجمعین - تمسک نموده و نهایتاً پس از سلوک و مجاهدات از حضور جناب سید اسماعیل ولیانی اجازه خلافت و ارشاد در طریقت قادریه یافتند. شیخ علی پس از کسب اجازه در طریقت در قریه دول پمو واقع در شرق قریه برزنجه اقامت نمود و به ارشاد و تربیت و موعظه مسلمانان و خدمت علم و طریقت پرداخت. (علماؤنا فی خدمة العلم والدين، ص ۳۹۲) جمعی کثیر از طالبین علم و طریقت پیرامون شیخ علی گرد آمدند از جمله آنان شیخ معروف نوده‌ی نوه دختری و نوه برادر آن حضرت است که کتابی درباره جد امی و مرشد بزرگوار خود تالیف نموده است. اولاد شیخ علی در عراق و ایران پراکنده و منشا آثار فراوانی گشته اند. از او هشت پسر باقی ماند که عبارتند از شیخ عبده، شیخ محمد مشهور به شیخ محمد ته راته وند، شیخ احمد ساکن قریه بیلو در مریوان، شیخ مصطفی، شیخ محسن و شیخ عزیز ساکن قریه زلان و شیخ حسین و شیخ محمود که همگی اهل صلاح و تقوی و از اجله علماء دین بوده اند مانند شیخ احمد بیلو. (منبع الانوار، ص ۲۴۶ و ۲۴۷)

شیخ محمد معروف نودهی

السید الشیخ محمد معروف النودهی البرزنجی در سال ۱۱۶۶ ق در قریه نوده در ناحیه شاربازیر کردستان عراق متولد شد. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه غزائی "قلا چووالان" آغاز کرد سپس به "هزار میرد" که قصبه ای در جنوب سلیمانیه است رفت و مدتی نزد عالم شهید ملا محمد ابن الحاج به شاگردی پرداخت. (علماؤنا فی خدمة العلم و الدین، ص ۵۷۴) در این هنگام ملا عبدالله بیتوشی را ملاقات نمود و با پاره ای از آثار ادبی وی آشنا شد و به ادبیات علاقه مند گردید و رفته رفته از استادش بیتوشی نیز پیشی گرفت. طریقت قادریه را از عموی پدرش شیخ علی دول په مو اخذ نمود. شیخ معروف نودهی آثار و تالیفات بسیاری دارد که غالب آنها در ادبیات می باشد. وی به فارسی و عربی و کردی نیز اشعاری سروده است. اشعار فارسی شیخ معروف در کتابی تحت عنوان (ای شده) به طبع رسیده است. وی که از مفاخر سادات برزنجه است در سال ۱۲۵۴ ق در سلیمانیه وفات نموده و در همانجا در آرامگاهی که برایش ساخته بودند مدفون گردید. (علماؤنا فی خدمة العلم و الدین، ص ۶۷۲؛ تاریخ تصوف در کردستان، ص ۱۶۷-۱۷۰)

کاک احمد سلیمانی

کاک احمد فرزند شیخ معروف بن شیخ مصطفی بن شیخ احمد بن شیخ محمد نودهی البرزنجی است. تولد وی در سنه ۱۲۰۸ ق در سلیمانیه اتفاق افتاد و در مدرسه جامع کبیر سلیمانیه که از مدارس با نام کردستان است نزد والدش و ملا محمود پیر حسن تحصیلات علمیه را شروع و نهایتاً مدارج عالیّه را طی نمود و به کاک احمد شیخ معروف گشت. کاک احمد در طریقت از والدش تربیت یافت و به درجه ارشاد نایل گشت. وی در ترویج علوم دینی و نشر معارف و ارشاد و فرستادن خلفاء با علم به مناطق مختلف کوشا بود و در نوشتن مواعظ و ارسال مکتوبات سعی بلیغ داشت. او همواره به اصلاح ذات البین مردم از هر قبیله و گروه و حل مشکلات آنان نزد حکام وقت اقدام می نمود. کاک احمد در طریقت به دوام ذکر و فکر و ریاضات و مجاهدات و مخالفت نفس وادار و همگان را بر اقامه این آداب تشویق می کرد. سرانجام وفاتش در سنه ۱۳۰۵ در سلیمانیه اتفاق افتاد و جسد مطهرش را

در حجره مقابل جامع کبیر سلیمانی مدفون نمودند. (علمائنا فی خدمة العلم و الدین، ص ۷۵ و ۷۶)

کاک احمد چهار سال مجاور حرمین شریفین گشت و در آنجا سود فراوان به مسلمانان رسانید از جمله ساخت مهمانخانه برای حجاج و زوار بیت الله الحرام از فعالیت های وی بود.

از خلفای بنام سید شیخ احمد سلیمانی می توان به سید حسن قازانقایی معروف به پیر قره چیوار، شیخ رسول خانه شور، شیخ بابا سعید برزنجی مدفون در قریه غوث آباد مهاباد اشاره نمود. (منبع الانوار، ص ۲۵۲ و ۲۵۳)

سید حسن قازانقایی برزنجی

سید حسن بن سید عبدالکریم قازانقایی برزنجی در ۱۲۶۴ ق در قازانقایه کردستان عراق قریب به کرکوک متولد شد. (منبع الانوار، ص ۴۲) آن جناب در سن شش سالگی در تکیه پدرش واقع در کرکوک که تا این زمان نیز دایر است و در محله اخى حسین واقع است خواندن و نوشتن را شروع نمود. <=۱۲۷۰ق> در آن زمان پدرش شیخ عبدالکریم از طرف والد خود - شیخ عبدالقادر - اداره تکیه شهر کرکوک را به عهده داشت و ایشان نیز در آن شهر به سر می برد. سید حسن علوم مرسوم زمانه را اعم از صرف و نحو و منطق و معانی و بیان و بدیع، اصول فقه، و حکمت، کلام، فقه، حدیث و تفسیر و علوم مربوطه را در شهرهای کرکوک، اربیل و سلیمانیه نزد بزرگان اساتید و اجله علمای وقت بیاموخت. (منبع الانوار، ص ۴۳) وی به زبان عربی و ترکی و فارسی احاطه کامل داشته و در مسائل مربوط به زبان و ادبیات این سه زبان صاحب نظر بود. آن حضرت قبل از اكمال تحصیل و اخذ اجازات علمیه در خدمت حضرت غوث الزمان الحاج سید کاک احمد الشیخ - رضی الله تعالی عنه - متمسک شده و اجازه سلوک یافته بود. (منبع الانوار، ص ۴۳)

حضرت کاک احمد شیخ (رض) همیشه به وجود سید حسن که از اجله شاگردانش بود مباحثات می نمود و سرانجام سید حسن قازانقایی از محضر وی به اجازه خلافت و مشیخت و ارشاد نایل گشت. (منبع الانوار، ص ۴۸) وی پس از اخذ اجازات در شریعت و طریقت

از جانب استادش کاک احمد - رضی الله عنه - به ده خود قره چیوار بازگشت و سفره ارشاد را در آن ده بگسترانید و خلق را به سوی حق دعوت می نمود. (علماؤنا فی خدمة العلم و الدین، ص ۱۶۸) در قلیل زمانی شهرت فیوضات و برکات توجهات و کراماتش میان کرد و فرس و ترک و عرب انتشار یافت و مردم از دور و نزدیک با طی مسافتات بعیده به امید تمسک به طریقه علیه بحضورش می شتافتند و خلفا و مریدانش در اطراف و اکناف فزونی یافتند. خلفا و مریدان او که غالباً دارای مقام ولایت و کشف و کرامات بودند به امر حضرتش در مملکت ها و مناطق به ارشاد پرداختند. سرانجام سید حسن قازانقای البرزنجی در سنه ۱۳۲۴ ق پس از سن شصت سالگی خرقة تهی فرمود و جسد مبارکش در قریه قادرکرم به خاک سپرده شد. هم اکنون مرقدش مطاف خدای دوستان و مأمّن دلهاست. (منبع الانوار، ص ۴۶)

از مشایخ سید شیخ حسن برزنجی می توان به حضرت سید شیخ حسین السوله ای البرزنجی الشهیر بشیخ حسین چرچه قلا (قدس الله سره)، شیخ سید احمد السوله ای البرزنجی فرزند سید شیخ عبدالقادر فرزند سید رسول دولت آباد، سید شیخ عبدالغفور دارزنگی السوله ای البرزنجی (قدس الله روحه الشریف) متوفی ۱۳۳۰ ق و مدفون در قریه کانی کاک اول، شیخ عبدالکریم داره خرما اردبیلی، شیخ رشید هسه زین، ملا ابراهیم افتخاری، شیخ مصطفی کیلانه، سید صالح کوبان، سید صالح نعیمی رفائی قادری و ... (علماؤنا فی خدمة العلم و الدین، ص ۱۶۹؛ منبع الانوار، ص ۶۴ الی ۶۶) کتاب منبع الانوار تالیف سید محمد طاهر هاشمی سوله ای در مقامات و حالات ایشان می باشد.

سید شیخ حسین سوله ای (شاه چرچه قلا)

سید شیخ حسین سوله ای معروف به پیر کامل و سلطان حسین. فرزند سید حسن بن سید عبدالقادر برزنجی سوله ای است. مادرش خاتون اسماء بنت سید شیخ رسول مدفون در قریه دولت آباد از کردستان ایران است که نسبش با دو واسطه به سید رسول سوله ای مدفون در سوله قره داغ سلیمانیه می رسد. نسب غالب سادات سوله به سید شیخ حسین برزنجی می رسد که در سوله مدفون است. (قرة العین، ص ۸۶) ولادت شاه چرچه قلا در سنه یکهزار و دویست و هفتاد یا هفتاد و دو <۱۲۷۰-۱۲۷۲ق> در قریه زرده لیکاو از قراء

ناحیه سنگاب کردستان عراق اتفاق افتاد. تحصیلات ابتدایی را در مسقط الراسش زرده لیکاو بیاموخت. در آن اوان نزد شیخ احمد که فارسی زبان بوده و گویا از مردم هندوستان بشمار می‌رفت همنشین گشت و شیخ بدو نصایح عالیه می‌فرمود تا نهایتاً او را اجازه طریقت کرامت فرمود. شیخ سلطان حسین سپس نزد کاک احمد نوده‌ی برزنجی که امام وقت و مقتدای اهل کمال بود رفت و دیری نپایید که کاک احمد وفات یافت (۱۳۰۵ق). و سید حسین به وصیت کاک احمد سلیمانی نزد سید حسن پیر قره چیوار از شاگردان کاک احمد رهنمون گشت. (قرة العین، ص ۹۱)

شیخ حسین چرچه قلا را عادت بر این بود که تابستان ها در سوله دهکده ای که از ناحیه قره داغ تابع قضای مرکزی سلیمانیه است نشستی و زمستان ها در چرچه قلا دهکده ای از ناحیه سنگاب جز قضای صلاحیه تابع لوای کرکوک کردستان عراق. (قرة العین، ص ۱۴۲). در اواسط حال عادت شیخ حسین بر این برود که غالباً دو ماه از پاییز و سه ماه زمستان و یک ماه از بهار را در بغداد و در مقبره حضرت غوث اعظم سلطان عبدالقادر گیلانی به مجاهده و سیر و سلوک می‌پرداخت. (قرة العین، ص ۱۶۰)

از شاگردان شیخ حسین سوله ای می‌توان به شیخ عبدالرزاق معروف به بابا شیخ، خلیفه سلیمان، خلیفه محمد امین، خلیفه شیخ محمد، خلیفه سید حسین لئی، خلیفه ملا ابراهیم دولابی، شیخ عبدالغفور (فرزندش)، شیخ رضا (فرزند دیگر)، عمو کریم، بابا علی و غیره اشاره نمود. (قرة العین، ص ۱۱۲)

شیخ حسین چرچه قلا با شیخ ضیاء الدین عمر نقشبندی متوفی ۱۳۱۸ ق از اجله مشایخ نقشبندیّه اورامان همنشینی و مراوده داشته است (قرة العین، ص ۳۰۲)

وفات شیخ حسین چرچه قلا در سوله مبارکه در سنه ۱۳۴۲ ق اتفاق افتاد و مرقدش در قریه سوله قره داغ می‌باشد. ماده تاریخ وفات وی (انّی غفّار) است. (قرة العین، ص ۳۱۶؛ منبع الانوار، ص ۶۵) استاد سید محمد طاهر سید زاده هاشمی رحمه الله کتاب قرة العین را در شرح حال ایشان تالیف نموده اند.

سید عبدالقادر قمچی ره ش

السَّيِّدُ الشَّيْخُ عَبْدِ الْقَادِرِ الْحُسَيْنِيِّ الْقَادِرِيُّ السُّوْلِيُّ الْبَرْزَنْجِيُّ الْيَاسِينِيُّ الْمَشْتَهَرُ بِقَمِّجِي
 رَشِّ قَدَسِ اللَّهِ تَعَالَى سِرِّهِ الْاَقْدَسِ. ولادتش در سنه ۱۳۱۱ ق مطابق جمله "چراغ زمین"
 اتفاق افتاد. وی فرزند شیخ سید حسین بن سید حسن بن سید عبدالقادر برزنجی السوله ای
 است. مراحل سلوک و طریقت را نزد پدرش شیخ حسین فراگرفت و نهایتاً به مقام شیخیت
 نائل یافت. شیخ عبدالقادر کتابی در احوال پدرش به زبان کردی تالیف نموده که بنام اسرار
 الحق نامیده است. وفات جنابش در سنه ۱۴۱۱ ق و مدفن شریفش در قریه سوله واقع در قره
 داغ سلیمانیه می باشد. (نورالواصلین، ص ۶) استاد سید محمدطاهر سید زاده هاشمی رحمه
 الله کتاب نورالواصلین را در احوال و حالات و حکایات مربوط به ایشان تالیف نموده است.

منابع و مأخذ

- تاریخ تصوف در کردستان، محمد رنوف توکلی، تهران، انتشارات توکلی، چاپ سوم، ۱۳۹۵
- تحفة القادریه، مسلمی، نسخه خطی، کتابخانه مجلس، ش ۱۱۲۹۸
- جستجو در تصوف ایران، عبدالحسین زرین کوب، امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۷، چاپ اول
- شرح گلستان سعدی، محمد خزائی، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۳، چاپ پنجم
- شیخ عبدالقادر گیلانی و سلسله قادریه، تری گراهام، مجله صوفی، شماره سوم، سال اول، تابستان ۱۳۶۸، لندن
- طرائق الحقایق، شیرازی محمد معصوم، به تصحیح محمدجعفر معجوب، سنایی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۲، جلد دوم
- علماؤنا فی خدمة العلم و الدین، عبدالکریم محمد المدرس، نشر: محمدعلی القره داغی، الطبعة الاولى، بغداد، ۱۴۰۳ ق
- قرة العین، سید محمدطاهر سیدزاده هاشمی سوله ای، خانقاه طریقت قادری سوله ای، ۱۴۴۰ق
- منبع الانوار، سید محمدطاهر سیدزاده هاشمی سوله ای، خانقاه طریقت قادری سوله ای، ۱۴۴۰ق
- نفحات الانس من حضرات القدس، نورالدین عبدالرحمن جامی، تصحیح محمود عابدی، سخن، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶
- نورالواصلین، سید محمدطاهر سیدزاده هاشمی سوله ای، خانقاه طریقت قادری سوله ای، ۱۴۴۰ق
- هدیه العارفین، اسماء المؤلفین و آثار المصنفین، اسماعیل بغدادی و محمدمحسن آقابزرگ طهرانی، مصحح محمد مهدی خرسان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۵۱ م

دیباچه

مؤلف این کتاب جناب استاد سید محمد طاهر هاشمی سوله‌ای فرزند جناب سید قیدار مشهور به سیدالدوله است. وی در سال ۱۹۱۵ (۱۲۹۴ هجری شمسی) در روستای دولت آباد از توابع روانسر کرمانشاه دیده به جهان گشود. در شش سالگی فراگیری علوم دینی را در مدرسه علوم دینی دولت آباد آغاز کرد اما بعد از ختم قرآن به خاطر آشفتگی اوضاع منطقه به مدت هفت سال از ادامه تحصیل بازماند و به همراه خانواده پدری به کردستان عراق مهاجرت کرد و به مدت دو سال نزد پیر و مرشد بزرگ طریقت قادری حضرت سید شیخ سلطان حسین پیر کامل (شاه چرچه قلا) خدمت نمود. پس از بازگشت به ایران به ادامه تحصیل پرداخت و تا سال ۱۳۲۰ ش در کرمانشاه سکونت گزید و بعد از فوت پدرشان به دولت آباد بازگشته و سرپرستی تکیه و خانقاه والد را به عهده گرفت. سید محمد طاهر تا اواخر عمر خود تأثیرات معنوی پیر طریقت حضرت سید شیخ سلطان حسین پیر کامل را فراموش نکرده و به طور مداوم مشغول نوشتن و سرودن شعر بود که این تأثیرات در آثار ایشان پدیدار است. وی سرانجام در ۱۳۷۰/۴/۲ (۱۳۷۰ ش) دعوت حق را لبیک گفته و به دیار باقی شتافت.

استاد سید محمد طاهر هاشمی در علوم اسلامی، ادبیات عرب، تاریخ ایران و اسلام و همچنین علم نسب شناسی، جداول و فقی و جفر از علوم غریبه، تذهیب، خطاطی و

خوشنویسی صاحب نظر و دارای سبک بوده و در خط نسخ سبک عثمانی تخصص داشت. او قرآن کریم، صحیفه سجادیه، دلائل الخیرات و آثار متعدد دیگری را با خط نسخ و نستعلیق کتابت نمود. استاد بیش از پانزده هزار بیت شعر به زبان های کردی و فارسی سروده است.

از استاد سید محمد طاهر هاشمی تالیفات ارزشمندی برجای مانده که از جمله می توان به کتاب منبع الأنوار در وصف کرامات و بزرگی حضرت سید شیخ حسن قازانقایی معروف به پیر قره چیوار، قرة العین در وصف و کرامات و بزرگی حضرت سید شیخ سلطان حسین پیر کامل، و نورالواصلین در وصف کرامات و بزرگی حضرت سید شیخ عبدالقادر قمچی ره ش اشاره نمود. کتاب حاضر نسخه عکسی و نمونه ای از هنر خوشنویسی حضرت استاد - قدس سره - می باشد. چاپ آثار فوق در زمان حیات مولف و فرزندشان جناب سید حسن هاشمی امکان پذیر نگردید و هم اکنون پس از گذشت چندین سال از تالیف آثار ایشان، جناب سید شیخ منصور حسینی سوله ای به کمک جناب سید پوریا هاشمی فرزند جناب سید حسن اهتمام به تهیه و تنظیم این آثار نمودند که هدیه و ثواب این تالیفات ارزشمند به روح جناب سید حسن هاشمی تقدیم می گردد.